

برنامه حداقل و برنامه انتقالی

وظیفه استراتژیکی مرحله بعدی- یعنی مرحله پیش از انقلابی سرشار از تهییج **Agitation**، تبلیغ **Propaganda** و سازماندهی- عبارت است از غلبه بر تضاد موجود بین رسیدگی شرایط عینی انقلابی و عدم بلوغ پرولتاریا و پیشتاز آن (آشفتگی و نومیدی نسل قبلی، و بی تجربگی نسل جوان تر). لازم است که در جریان مبارزه روزانه به توده ها کمک شود تا آنان بین درخواست های کنونی از یکسو و برنامه سوسیالیستی انقلاب از سوی دیگر، پلی ایجاد کنند. این پل باید شامل یک سلسله درخواست های انتقالی باشد، درخواست هایی که از شرایط امروز و از آگاهی امروزی قشرهای وسیع طبقه کارگر سرچشمه گرفته باشد، و بدون تزلزل به نتیجه غائی منجر شود: تسخیر قدرت بوسیله پرولتاریا.

سوسیال دموکراسی کلاسیک که در عصر سرمایه داری پیشرفته عمل می کرد، برنامه خود را به دو بخش مستقل از هم تقسیم کرد: نخست برنامه حداقل، که خود را به ایجاد اصلاحات در چهار چوب جامعه بورژوائی محدود می کرد، و دیگری برنامه حداقل، که در آینده نامعلوم جایگزین شدن سرمایه داری بوسیله سوسیالیسم را نوید می داد.^۱ بین برنامه حداقل و برنامه حداقلی وجود نداشت. در واقع

^۱ - سوسیال دموکراسی (با بین الملل دوم) در سال ۱۸۸۹ به عنوان جانشین بین الملل اول تشکیل گردید. بین الملل اول (یا انجمن بین المللی کارگران) از ۱۸۶۴ تا ۱۸۷۶ وجود داشت و توسط کارل مارکس رهبری می شد. بین الملل دوم احزاب سوسیال دموکرات و احزاب کارگری کشورهای مختلفی را دربر می گرفت. مهمترین و قوی ترین این احزاب سوسیال دموکراسی آلمان بود. در سال ۱۹۱۴، هنگامی که مهمترین بخش های بین الملل دوم

سوسیال دموکراسی به این پل احتیاجی هم نداشت. چرا که واژه سوسیالیسم را فقط به عنوان یک باد در غیب بلغور می کرد. کمینترن عزم جزم کرده است که در عصر سرمایه داری در حال زوال، راه سوسیال دموکراسی را تعقیب کند: یعنی در زمانی که بطور کلی دیگر نمی توان مقوله اصلاحات منظم اجتماعی و حرف و سخن بالا بردن منظم سطح زندگی توده ها را پیش کشید، موقعی که هرگونه تقاضای جدی پرولتاریا و حتی هرگونه تقاضای جدی خرده بورژوازی، بناچار از آن سوی محدوده روابط مالکیت سرمایه داری و دولت بورژوائی سر در می آورند. وظیفه استراتژیکی بین الملل چهارم نه اصلاح کردن سرمایه داری، بلکه سرنگون کردن آن است. هدف سیاسی آن تسخیر قدرت بوسیله پرولتاریا بمنظور سلب مالکیت از بورژوازی است. با وجود این، تحقق این وظیفه استراتژیکی، بدون توجه کامل به تمام مسائل، حتی موضوعات کوچک و جزئی تاکتیکی، غیرممکن است. تمام بخش های پرولتاریا، تمام اقشار، حرف و صنوف آن باید بداخل جنبش انقلابی جذب شوند. صفت مشخصه عصر حاضر این نیست که حزب انقلابی را از کار روزانه آزاد می کند، بلکه این است که اجازه می دهد کار روزانه، بنحوی جدائی ناپذیر از وظایف واقعی انقلاب صورت بگیرد.

بین الملل چهارم برنامه قدیمی درخواست های "حداقل" را ترک نمی کند، چرا که این درخواست ها دستکم بخشی از تأثیر و نیروی حیاتی خود را حفظ کرده اند. بین الملل چهارم، بنحوی خستگی ناپذیر، از حقوق دمکراتیک و پیروزی های اجتماعی کارگران دفاع می کند. لیکن بین الملل چهارم این کار روزمره را در چهارچوب دورنمای صحیح واقعی، یعنی دورنمای انقلابی، به مرحله اجرا می گذارد. از آنجا که درخواست های قدیمی، جزئی و "حداقل" توده ها با تمایلات نابود کننده و

ابتدائی ترین اصول سوسیالیستی را نقض کردند و از دولت های امپریالیستی خود در جنگ جهانی اول پشتیبانی کردند، نقش مترقی این سازمان خاتمه یافت، و به سازمانی غیر انقلابی بدل گشت.

تحقیرآمیز سرمایه داری فاسد اصطکاک پیدا می کند. و آن هم بدون شک در هر قدم اتفاق می افتد. بین الملل چهارم، سیستم در خواست های انتقالی را پیشنهاد می کند، پایه اساسی این سیستم را این اصل تشکیل می دهد که درخواست های انتقالی، هر چه آشکارتر و قاطع تر، در جهت مخالف اساسی ترین بنیادهای رژیم بورژوازی سیر خواهند کرد. بدین ترتیب برنامه انتقالی جانشین "برنامه حداقل" قدیمی می شود و وظیفه آن عبارت است از بسیج متشکل توده ها در راه انقلاب پرولتاریائی.